



صف‌گشی مدافعان رئیسی

حمید بعیدی‌نژاد، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دولت حسن روحانی مصاحبه‌ای انجام داده که بخشی از این برنامه با واکنش برخی از اعضا و حامیان تیم دولت سیزدهم روبرو شده است. او در بخشی از این مصاحبه در پاسخ به این پرسش که آیا طی حدود ۲۰ سال گذشته فرصت‌هایی برای پیشبرد مذاکرات از دست رفته است؟ پاسخ می‌دهد: «چنین فرصتی وجود داشته و نمونه بارز آن مذاکرات سال‌های ۸۴ و ۸۵ میان دکتر لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران، و خاویر سولانا، نماینده اتحادیه اروپا، بوده است،» او با اشاره به اینکه در آن مقطع بسیار نزدیک به توافقی نهایی بودند اما شرایط سیاسی داخلی اجازه نداد این توافق محقق شود، گفت: «این اتفاق باعث شد روند مذاکرات پیچیده و پیرونده هسته‌ای ایران به حوزه امنیتی وارد شود. یکی از مشکلات اساسی در دوران برجام، تلاش برای بستن پرونده‌های سخت امنیتی بود که نتیجه عدم توافق‌های قبلی بود.» او به دو مقطع مهم در دوران برجام اشاره می‌کند که می‌توانستند مسیر مذاکرات را به سمت تفاهم پیش ببرند و توضیح می‌دهد: «این دو مقطع یکی در پایان دولت روحانی بود و دیگری در آغاز دولت جدید جمهوری اسلامی ایران. در هر دو مقطع، مذاکرات با تیم‌های مختلف پیش رفت و نزدیک به توافق بودند اما به دلایل غیرمنتظره و برخی ذهنیت‌های داخلی، این فرصت‌ها به نتیجه نرسیدند. در این روند، اراده سیاسی داخلی نقش کلیدی داشت و دیدگاه‌های متفاوتی که درباره مذاکرات وجود داشت، مانع استفاده کامل از این فرصت‌ها شد.»

پس از انتشار این مصاحبه، سه واکنش از سوی حامیان دولت سیزدهم دیده شد. مهدی مجاهد، معاون دفتر سید ابراهیم رئیسی در گفت‌وگو با فارس می‌گوید: «این ادعا کاملاً غیرواقعی و دروغ محض است. اولاً، اگر چنین توافقی در آن برهه حساس وجود داشت، چه دلیلی داشت که خود دولت پیشین آن را امضا نکند؟ مگر آنها در آن روزهای پایانی، برای هیچ‌ک از تصمیمات خود از آقای رئیسی یا مقامات دیگر کشور مشورت یا اجازه می‌گرفتند؟ خیر.» او همچنین می‌گوید: «با شناختی که همگان از شخصیت و روحیات آیت‌الله رئیسی دارند، «محال» بود که اگر امری منفعتمرمد در آن بود، حتی یک ساعت به تأخیر بیندازند تا به نام خودش تمام شود.» سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم هم در یادداشتی به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «اینکه همواره ما تا دم توافقی رفته‌ایم و می‌توانستیم تمام مشکلات را با مذاکره حل کنیم اما دقیقه ۹۰ یک اتفاقی افتاد و نشد! مکانیسم معیوب سیاست خارجی ما دقیقاً همین جاست و در همین چندجمله کل ماجرا روشن است که در ذهن دیپلماتی ما چه می‌گذرد. یعنی همواره ایراد از ماست! و ماییم که تصمیم نمی‌گیریم!» او در ادامه می‌نویسد: «۴۶ سال است که همین ذهنیت و همین جریان تلاش دارد با غرب مشکلات را حل کند اما هیچ وقت دقیق نمی‌گوید چه می‌شود که نمی‌شود. یعنی این جریان از فرصت ۸ ساله دولت ۱۱ و ۱۲ و ۶ سال مذاکره فقط گیر دو سه ماه آخر بود! یعنی غربی‌ها گیر این دو سه ماه بودند که ما تصمیم سیاسی بگیریم در داخل؟ اینکه نتیجه تصمیمات قبلی چی شد؟ اینجا را کسی روایت نمی‌کند. باز داشت مشکلات حل می‌شد، ۱۷ اکتبر شد و... یعنی این قصه ته ندارد. در این یکسال هم قرار است هفته بعد مشکل حل شود که ایسرائیل نمی‌گذارد، یا در بورکینافاسو کودتا می‌شود یا در کلمبیا مواد گران می‌شود، یا در آمریکا سیل می‌آید و القصه یک چیزی می‌شود که ما باز موفق نمی‌شویم!»

روزنامه کیهان، رسانه حامی دولت رئیسی هم در شماره روز گذشته خود نوشت: «احتمالاً آقای بعیدی‌نژاد دوست ندارند این خاطرات تلخ خود را مرور کنند، برای همین چیزی در این مورد بیان نکرده‌اند. با این حال معلوم نیست وقتی نتیجه خسارت‌بار توافقی قبلی پیش چشم مسئولان کشور بوده آقای بعیدی‌نژاد و دوستانش با چه رویی به دنبال یک توافق دیگر بوده‌اند؟ پس از آنکه صنعت هسته‌ای کشور را طی توافقی قبلی در ازای «تقریباً هیچ» (توصیف رئیس کل بانک مرکزی وقت از عواید برجام)، نیمه‌تعطیل کردند، در توافقی بعدی می‌خواستند چه امتیاز دیگری بدهند و همچنان تحریم‌ها را بالای سرمان نگه دارند؟ آیا می‌خواستند صنعت موشکی مان را معامله کنند یا قدرت منطقه‌ای مان را؟»

فرجام‌خواهی به نتیجه رسید

جزئیات پرونده کشته شدن
آرمان علی‌وردی در گفت‌وگو با
پیام درفشان و محمدحسین آقاسی
وکلاي متهمان پرونده



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

پرونده‌ای عجیب و پر از ناگفته‌ها در سال ۱۴۰۱ و اعتراضات سراسری به «بچه‌های اکباتان» معروف شد. دقیقاً و در آستانه سالروز کشته شدن مهسا امینی و خیزش مردمی در سال ۱۴۰۱ پیام درفشان، وکیل یکی از متهمان این پرونده از نقض رای تمام متهمان این پرونده در مرحله فرجام‌خواهی از سوی دیوانعالی کشور خبر داد. اولین روزهای آبان ۱۴۰۱ در بحبوحه اعتراضات سراسری جوانی به نام آرمان علی‌وردی در شهرک اکباتان توسط برخی از معترضان به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد. اما در بیمارستان درگذشت. افراد بسیاری در ارتباط با این حادثه دستگیر شدند که نهایتاً ۱۱ متهم در پرونده باقی ماند و نام و عکس ۸ تن از متهمان پرونده در رسانه‌ها مطرح شد. حال درخواست فرجام‌خواهی وکلای این پرونده از سوی دیوانعالی کشور پذیرفته شده است. به همین دلیل هم‌میهن با وکلای دو متهم این پرونده به گفت‌وگو پرداخته است که در زیر می‌خوانید:

▼ روند تشکیل پرونده بچه‌های اکباتان

پیام درفشان، وکیل حسین نعمتی (یکی از متهمان پرونده بچه‌های اکباتان) در گفت‌وگو با هم‌میهن به تشریح پرونده از ابتدا تا نقض رای متهمان در دیوانعالی کشور پرداخته و تاکید کرد: «به موجب سوابق در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۶ مقارن ساعت ۱۴ بر اساس تماس تلفنی ماموران کلانتری ۱۴۵ ونک مبنی بر وقوع یک فقره قتل عمد در شهرک اکباتان و انتقال به بیمارستان و به دلیل نتیجه‌بخش نبودن اقدامات درمانی و انتقال جسد به سردخانه بیمارستان بقیه‌الله بازپرس کشیک قتل به همراه تیم بررسی صحنه جرم (یعنی کارآگاه اداره دهم پلیس آگاهی تهران) به بیمارستان اعزام شدند. از مشخصات جسد معلوم می‌شود متوفی آرمان علی‌وردی است. بر اساس مستندات و سوابق اعلام مفقودی آرمان توسط افرادی که او را به محل برده بودند، به مراجع قانونی اعلام نشده است. یعنی به طرز مظلومانه و غریب جسد او را در گوشه‌ای شناسایی کردند و همراهان او مفقودی‌اش را اعلام کردند.»

او افزود: «با توجه به اینکه شروع برج آبان و اوج ایام ناآرامی‌های اجتماعی برخورد‌های هیجانی با این مسئله انجام شد، هر کدام از ضابطین می‌خواستند به سهم خود افراد دخیل در این حادثه را دستگیر کنند. به همین جهت دستگیری‌ها شروع می‌شود اما بازپرس این پرونده از ابتدا محکم اعتراض می‌کند که حکم ورود به منزل به صورت موردی است و باید پیش از ورود با شخص او هماهنگ شود و حتی به سرپرست دادسرای جنایی به شدت اعتراض می‌کند که «چند ضابط باید روی این پرونده فعالیت کنند؟» بازپرس تمام توان خود را به کار می‌گیرد تا در وضعیت بحرانی بتواند از قواعد اصولی کشور پاسداری کند و از افراط در پرونده جلوگیری کند. دستگیری‌های مختلفی انجام می‌شود و افراد گوناگون به عنوان اینکه در آن محل حضور داشتند و آرمان را به قتل رسانده‌اند، دستگیر می‌شوند اما وقتی مشخص می‌شود که آنها در قتل دخیل نبوده‌اند آزاد می‌شوند. بازپرس اصرار تخصصی می‌کند

که: «باید یک ضابط روی این پرونده باشد نه چند ضابط کنار هم. پلیس آگاهی که وظیفه شناسایی قتل را دارد نیز باید روی این پرونده دخالت داشته باشد و بقیه دخالت نکنند.»

درفشان با اشاره به اینکه در نهایت این پرونده به این تعداد متهم (که در حال محاکمه هستند) رسید، گفت: «تعدادی از متهمان در وضعیت بازداشت هستند و اسامی آنها در رسانه‌ها مطرح شده است. تعداد دیگری با قید وثیقه آزاد هستند و اسامی آنها رسانه‌ای نشده و اساساً به لحاظ حقوقی به نظر می‌رسد که نباید در دادرسی حضور داشته باشند. چون ما معتقدیم اکثر متهمان پرونده در حد اسائه ادب به مرحوم اقدام کرده‌اند. در آن خشم جمعی نمی‌دانستند آرمان چه کسی است یا حرف‌هایی که در آن شلوغی به گوش آنها رسیده‌که: «این همان فردی است که شب‌ها فریاد می‌زند» خود را به مرحوم می‌رسانند و لگدی به او پرتاب می‌کرده‌اند. براساس فیلم‌های موجود در دادگاه با وجود آن جمعیت فشرده معلوم نیست لگدی که متهمان زده‌اند به مرحوم رسیده یا خیر. با توجه به اسناد و مدارک موجود در پرونده به ضرس قاطع می‌گویم: «یقین دارم که حسین نعمتی، موکلم و برخی از متهمان در لحظه فوت در صحنه نبودند و اصلاً فکر نمی‌کردند که این فرد کشته شود.» بازپرس یک قرار بسیار مستدل و محکم برای متهمان صادر می‌کند و بر اساس موازین فقهی و حقوقی استدلال می‌کند که: «جرم متهمان محاربه نیست و نمی‌تواند محاربه محسوب شود. چون تجرید سلاح نکرده و رو به مردم نبوده‌اند.» بازپرس پای این نظرش بسیار محکم می‌ایستد؛ اما سرپرست دادسرا اعتراض می‌کند. البته شرایط بحرانی موجود در آن روز هم به بازپرس فشار وارد می‌کند که این اقدامات را محاربه اعلام کند اما بازپرس پای نظر خود مانده و بر آن ایستادگی کرد. به همین دلیل اختلاف بین دادستان (سرپرست دادسرا) و بازپرس پیش آمده و نهایتاً این بخش پرونده به دادگاه انقلاب ارجاع داده می‌شود و دادگاه انقلاب آن را «محاربه» اعلام می‌کند. بنابراین پرونده‌ای تشکیل کلاسه و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب مشغول رسیدگی به آن می‌شود. تاکنون تنها یک جلسه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تشکیل شده است. در این پرونده (در دادگاه انقلاب) چهار نفر اتهام محاربه دارند. از طرف دیگر در دادگاه کیفری یک نیز برای آنها حکم قصاص صادر شده بود. اما به موجب اتهام محاربه برای آنها قرار بازداشت صادر شد. بعضی از افراد دیگر هم در این پرونده متهم هستند که حین دستگیری چیزی در موبایل آنها پیدا کرده‌اند و به عناوین مانند «تبلیغ علیه نظام» یا «اخلال در نظم عمومی» و... متهم شده‌اند.»

▼ صدور حکم قصاص به دلیل تغییر مستشاران

این وکیل دادگستری در ادامه تاکید کرد: «پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، دادگاه یک بار ایراد نقص گرفت و از بازپرس خواست که مجموعه نواقصی را مشخص کند. یکی از ایرادات این بود که پزشکی قانونی ضربه دقیق مهلکی که باعث فوت شده را مشخص کند تا دادگاه از لحاظ حقوقی بتواند با استناد به آن مشخص کند چه کسی این ضربه را زده است. با وجود آن که پزشکی قانونی پیش از این تاکید کرده بود که مجموعه ضربات وارده به جمجمه باعث فوت



شده و ضربه مشخصی را نمی‌توان بین ضربات وارده به جمجمه تشخیص داد، باز هم تشکیل کمیسیون داد و با بررسی‌های مجموعه مستنداتی (عکس و...) که از جسد تهیه کرده بود، دوباره اظهار کرد که «ضربه مهلک و کشنده مجموعه ضربات به جمجمه است.» بر اساس این اظهارنظر پزشکی قانونی به دادگاه کیفری یک، نظر ریاست شعبه و مستشار اصلی شعبه به درستی به این بود که این حادثه نمی‌تواند قتل عمد از جانب متهمان حاضر در دادگاه محسوب شود. چون اساساً ضارب ضربه مهلک مشخص نیست. ثانیاً برای دادگاه احراز نشده که هیچ‌یک از متهمان ضربه به قصد کشت و مهلک را زده باشد، بلکه لگدپراکنی و مشت‌پراکنی کردند. بعضی از آنها اقدامات بیشتر در اسائه ادب و خشونت انجام دادند، اما باز هم در حدی نیست که بتوان از لحاظ حقوقی آن را قتل عمد محسوب کرد.» درفشان افزود: «با وجود برگزاری جلسات دادگاه، پرونده باز برای تحقیقات بیشتر و شناسایی افرادی که قلوله سنگ به دست داشتند و ضربات بسیار شدید به این شهید وارد می‌کردند، (وقلم آن در دادگاه پخش شد به سازمان اطلاعات سپاه ارجاع داده شد. به همین دلیل برخی از این متهمان از زندان قزل حصار برای بازجویی‌های تخصصی، فنی و امنیتی به سازمان اطلاعات سپاه تحویل داده شدند تا شاید آن افراد (که با سنگ ضربات مهلک وارد کردند) را پیدا کنند. متهمان چند نفر را معرفی کردند اما سازمان اطلاعات سپاه طی تحقیقات به این نتیجه می‌رسد که این افراد اصلاً در این امر دخیل نبودند. پرونده دوباره به دادگاه کیفری یک برگشت و باز هم نظر ریاست محترم شعبه این بود که «قتل عمد واجد کیفر قصاص از لحاظ قانونی صدق پیدا نمی‌کند.» اما در جلسه آخر مستشارانی که در تمام جلسات دادرسی حضور داشتند عوض شدند و دو مستشار جدید در جلسه دادرسی حضور پیدا کرده و حکم قصاص را امضا کردند. براساس آن؛ متهمانی که در مجموعه تحقیقات مشخص شده بود ضربات آنها بیش از اسائه ادب نبوده و آزاد شده بودند، دوباره بازداشت شدند.»

▼ درخواست فرجام‌خواهی

او با اشاره به اینکه باید به یک مسئله توجه داشته باشیم، گفت: «در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۸ چهارتن از متهمان که اقداماتی در حد اسائه ادب محسوب می‌شد با قید وثیقه آزاد شدند و علاوه بر وثیقه چندمیلیاردی، قرار عدم خروج از کشور نیز برای آنها صادر شد. هیچ‌یک از آنها هم اقدام به فرار از کشور نکردند اما با وجود تحقیقات انجام‌شده توسط ضابطان امنیتی و متخصص که مسئله جدیدی را به پرونده اضافه نکرده بود در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱۳ در آخرین جلسه دادرسی دستور بازداشت این چهار نفر هم توسط دو مستشاری (که در جلسه آخر وارد روند دادرسی شدند) صادر شد و متأسفانه شش نفر از افراد بر خلاف‌نظر حقوقی ریاست شعبه محکوم به مجازات قصاص نفس شدند. متهمانی که آزاد بودند وسط جلسه دادگاه بازداشت و دستگیر شدند. پس از آن تمامی وکلادرخواست فرجام‌خواهی دادند و به وضعیت بازداشت‌ها اعتراض کردند. چون متهمان پیش از صدور رای بازداشت شدند؛ درحالی‌که هنوز رای به ما ابلاغ نشده بود. اعتراض وکلا به شعبه یک دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع شد و پاسخ این بود که